

## واکاوی روش کلبرگ در فهم قوای بصری امام با رویکردی به فقه الحدیث امامیه

مهیار خانی مقدم\*

[تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۱۵]

### چکیده

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به واکاوی روش کلبرگ در فهم قوای بصری امام، بر مبنای مقاله «Vision and the Imams» و با رویکردی به فقه الحدیث امامیه می‌پردازد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که نقاط قوت متعددی در روش کلبرگ وجود دارد که عبارت است از: اذعان به وضعیّت رجالی برخی از راویان؛ تطبیق افراد موجود در اسناد حدیث؛ استناد به منابع معتبر شیعی؛ دقت در منابع برخی روایات؛ توجه به آفت‌های احتمالی در هنگام صدور و نقل حدیث؛ ارائه شواهد قرآنی و روایی برای قوای نظری امام، بینا ساختن نابینا توسط امامان، مسخ دشمنان شیعه و تفاضل مقام امامان بر حضرت ابراهیم علیه السلام و استفاده از احادیث مشابه و معارض برای تبیین زمان دقیق دستیابی امام بر عمود نور، شباهت حضرت ابراهیم علیه السلام و امامان علیهم السلام در مشاهده ملکوت، قابل مشاهده بودن امام برای تمامی مردم و نشان دادن غیب به دیگران توسط امام. روش کلبرگ آسیب‌هایی نیز دارد مانند بی‌دقتی در برخی انتساب‌ها، استفاده از منابع نامعتبر یا خدشه‌دار، مراجعه نکردن به منابع لغوی معتبر در فهم معنای واژه و توجه نداشتن به سبب صدور حدیث در برخی موارد. این آسیب‌ها موجب ارائه برخی آرای موهوم مانند قابل مشاهده نبودن فرشتگان برای امام پس از دستیابی به مقام امامت شده است.

کلیدواژه‌ها: کلبرگ، فهم حدیث، خاورشناسان، قوای بصری، امام.

## مقدمه

امامت از منظر عموم شیعیان، منصبی الهی و ریاست عام و فراگیر دینی و دنیایی برای افراد مشخصی به نیابت از پیامبر ﷺ (محقق حلی، ۱۴۲۱: ۳۰۶) است و دارای شواهدی از قرآن (مانده: ۳)، سیره نبوی ﷺ (مفید، ۱۴۱۳: ۲/۳۸۶)، روایات (صدوق، ۱۳۷۸: ۱/۴۶) و براهین عقلی (علم‌الهدی، ۱۴۱۰: ۱/۱۷۹) است و کارکردهای مختلفی در جنبه‌های مختلف زندگی انسان دارد. این مزایا توجه غیرمسلمانان را نیز به آموزه امامت جلب کرده است. خاورشناسان پژوهش‌هایی را بر مبنای احادیث انجام داده‌اند که روش آنها در فهم احادیث درخور بررسی است.

کلب‌رگ از جمله خاورشناسانی است که درباره آثار شیعی و آموزه امامت، پژوهش‌های درخور توجهی انجام داده است؛ پژوهش حاضر به منظور واکاوی نقادانه روش وی در فهم احادیث و ویژگی‌های امام، به بررسی مقاله وی با عنوان «امام و قوای بصری» با رویکردی به فقه الحدیث امامیه می‌پردازد. برای سنجش روش خاورشناسی که روشش با روش محدث متفاوت است، باید به منبع مشترک آن دو که همان روایات است، توجه شود.

نتیجه تتبع نگارنده آن است که از مقاله مذکور فقط ترجمه‌ای منتشر شده (کلب‌رگ، ۱۳۹۰: ۱۴۸-۱۱۳) و اثر دیگری روش و محتوای آن را بررسی نکرده است. هدف پژوهش حاضر نقد روش کلب‌رگ با رویکردی به فقه الحدیث روایات استنادشده است. باید توجه داشت که واکاوی روش فهم حدیث خاورشناسان در حوزه امامت، پژوهشی نوآورانه است.

آنچه اهتمام به این پژوهش را ضروری و مهم می‌کند عبارت است از: لزوم اصلاح رویکرد خاورشناسان به آموزه امامت و تبیین آن بر اساس احادیث، ضرورت تبیین آموزه امامت توسط محققان شیعه با توجه به مسئله گفت‌وگوی ادیان و ضرورت تأمین ادبیات تفاهمی و تعاملی قوی‌تر برای معرفی تشیع در عرصه‌های مذکور، فقدان اهتمام به پژوهش‌های حدیثی به منظور تبیین معارف شیعی در سطح بین‌المللی و ضرورت پاسخ‌گویی به شبهات حدیثی و کلامی خاورشناسان در زمینه امامت.

نگارنده درصدد ترسیم سامانه‌ای منسجم و مبنایی از روش خاورشناسان برای فهم روایات مرتبط با مسئله امامت است. با استفاده از نتایج این پژوهش به اهداف ارزشمندی می‌توان دست یافت از جمله: مقابله با انحراف‌های احتمالی با رویکردی مناسب، شناسایی نقاط قوت روش خاورشناسان و استفاده از آن در ترویج آموزه‌های وحیانی، شناسایی نقاط ضعف روش خاورشناسان و نقد و اصلاح نقص‌های آن، اصلاح روش خاورشناسان در فهم روایات به ویژه روایات مرتبط با مسئله امامت و توجه به رویکرد فقه الحدیثی در کنار رویکرد کلامی در مسئله امامت.

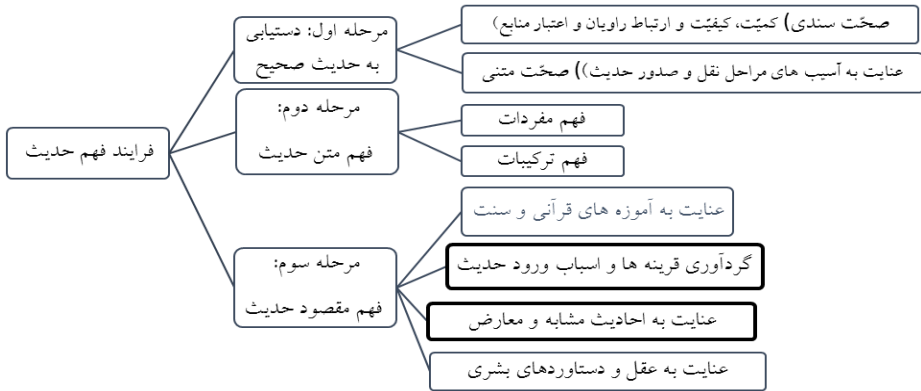
### معرفی کلبرگ

اتان کلبرگ (Ethan Kohlberg) در ۱۹۴۳ میلادی در فلسطین اشغالی به دنیا آمد و پس از طی مراحل تحصیل، در ۱۹۷۱ میلادی مدرک دکترای خود را از دانشگاه آکسفورد دریافت کرد و اکنون در دانشگاه عبری بیت‌المقدس (اورشلیم) به تدریس و تحقیق مشغول است. او دارای آثار پژوهشی متعددی درباره شناخت اسلام، شیعه و امامان است و می‌توان به ۴۶ مدخل که تألیف او است، در دایرةالمعارف‌های مختلفی نظیر *ایرانیکا* و *دین و اسلام* اشاره کرد (نویسندگان، ۱۳۹۰: ۱۶۰). در پژوهش حاضر، از میان آثار متعدّد وی، مقاله «امام و قوای بصری» (Vision and the Imams) انتخاب شد که در آن، با تتبع در منابع حدیثی و تفسیری شیعه، به بررسی جنبه‌های مختلف قوای بصری امام پرداخته است.

بررسی آثار پژوهشی کلبرگ، نشان می‌دهد که اعتقادات دینی و پایبندی وی به یهودیت، نقش انکارناپذیری در گرایش‌ها و دیدگاه‌هایش دارد.<sup>۱</sup> روش پژوهش وی بیشتر بر تاریخی‌نگری (Historicism) استوار است که براساس آن، هر اندیشه‌ای، هر چقدر هم که عمیق و ژرف باشد، نمی‌تواند از چارچوب زمان تحقق خود، فراتر رود (Hegel, 2001: 95) و چون مبنای این روش، تحلیل بر اساس معیارهای تجربی، تاریخی و مادی است و عوامل ماورائی را نادیده می‌گیرد، ادعاهایی مانند ساختگی یا مطابق با واقع نبودن یا اغراق‌آمیز بودن پدیده‌هایی را دارد که زاینده تحولات تاریخی است (امیری، ۱۳۹۰: ۱۹۲).

## نمودار پیشنهادی در فرایند فهم حدیث

نموداری که در ادامه ترسیم شده است،<sup>۲</sup> می‌تواند در فرایند فهم روایات و بررسی و نقد روش کلب‌رگ الگوی مناسبی باشد:



## واکاوی نقادانه روش کلب‌رگ در فهم احادیث

نقاط قوت و ضعف روش کلب‌رگ در فهم احادیث بر اساس نمودار پیشنهادی، بدین شرح است:

### ۱- مرحله اول: دستیابی به حدیث صحیح

هنگامی می‌توان به فهم متن حدیث پرداخت که متن آن یقین‌آور باشد و از نظر سندی و متنی از وثاقت کاملی برخوردار باشد. از این‌رو، دو مرحله اساسی برای دستیابی به حدیث صحیح، تأیید «صحت سندی»<sup>۳</sup> و «صحت متنی»<sup>۴</sup> است.

### ۱-۱- نقاط قوت کلب‌رگ در مرحله دستیابی به حدیث صحیح

نقاط قوت روش کلب‌رگ در مرحله دستیابی به حدیث صحیح بدین شرح است:

#### ۱-۱-۱- اذعان به وضعیّت رجالی برخی روایان

خاورشناسان به‌طور تخصصی به بررسی رجالی افراد موجود در سند روایات پرداخته‌اند، اما در برخی موارد، به وضعیّت رجالی برخی افراد، اشاره‌ای شده است که می‌توان آن را

نشانه آگاهی آنها از اهمیت این مسئله نزد مسلمانان دانست. کلبرگ در مقاله «امام و قوای بصری» حدیثی را نقل کرده، در پاورقی تأکید می‌کند که از راوی این حدیث، یعنی هاشم بن زید، در کتاب‌های رجالی سخنی به میان نیامده (Kohlberg, 2003: 73) و به اصطلاح، از نظر رجالی، فردی مجهول است. نتیجه تتبع نگارنده در کتب رجالی معتبر نیز آن است که فرد مذکور، مجهول و نظر کلبرگ صحیح است.

کلبرگ در ادامه، حدیثی را ذکر می‌کند با این مضمون که فردی به نام محمد بن سنان، در دوران خردسالی امام جواد علیه السلام خدمت آن حضرت می‌رسد و به سبب مسح دست آن حضرت، بینایی‌اش را باز می‌یابد. کلبرگ در پاورقی مقاله، تأکید دارد که ابن سنان، اغلب متهم به غلو شده است (Ibid: 47). تتبع نگارنده در آثار معتبر رجالی نشان می‌دهد که درباره وضعیّت رجالی محمد بن سنان اختلاف نظر وجود دارد؛ زیرا از یک سو، وی مورد طعن قرار گرفته (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۰۶)، ضعیف شمرده شده (همو، ۱۳۷۳: ۳۶۴) و به غلو و جعل حدیث نیز متهم شده است (ابن الغضائری، ۱۳۶۴: ۹۲) و بر این اساس برخی، هیچ التفاتی به روایات متفرد او نمی‌کنند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۲۸). از سوی دیگر، برخی نیز به سبب اینکه بزرگانی چون شیخ طوسی از او روایاتی نقل کرده‌اند، او را ثقه دانسته (خویی، ۱۳۷۲: ۱۶۹/۱۷) و تأکید دارند هرچند که وی در مدتی از زندگانی خود دچار لغزش شد، اما سرانجام ثابت قدم ماند و مورد توثیق امام جواد علیه السلام قرار گرفت (عرب، نقی زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

کلبرگ در جای دیگری نیز به وضعیّت رجالی راوی اشاره کرده است؛ وی با استناد به کتاب *تنقیح المقال* علامه مامقانی، تأکید دارد که شخصی به نام ابوعروه ناشناخته است (Kohlberg, 2003: 142). تتبع در کتب معتبر رجالی بیانگر آن است که تنها شیخ طوسی در کتاب *رجال* خود، از ابوعروه به عنوان یکی از یاران امام صادق علیه السلام یاد کرده است (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۶۶) اما وضعیّت رجالی وی مهمل است.

#### ۱-۱-۲- تطبیق افراد موجود در اسناد حدیث

از دیگر نکات تأمل برانگیز، دقت کلبرگ در تطبیق شخصیّت رجالی دو فرد مشابه در سند دو روایت مشابه است. وی دو روایت را از دو منبع متفاوت، نقل می‌کند (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۶۶)؛ در روایت اول، فردی به زن کوری در مدینه می‌رسد و سپس، با آن زن در

مگه ملاقات می‌کند. آن زن پس از آنکه خضر- که خود را از زمره شیعیان علی بن ابی‌طالب علیه السلام توصیف می‌کند- برای وی دعا می‌کند، بینا می‌شود (بحرانی، ۱۴۱۳: ۷۶/۲). در روایت دوم، فردی در راه مگه در کنار جاده، زن کوری را می‌بیند و در راه بازگشت، درمی‌یابد که آن زن در اثر دیدار با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام بینا شده است (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۲۲۸). کلبرگ این روایات را برای بیان این نکته آورده است که صرف محبت به امام علی علیه السلام، بینایی را باز می‌گرداند و تأکید دارد که «اعمش» موجود در سند هر دو روایت، یک نفر بوده که همان «سلیمان بن مهران اعمش» است (Kohlberg, 2003: 141). تتبع نگارنده در کتب مرتبط و کتب رجالی، بیانگر صحت ادعای کلبرگ است، البته در کتب رجالی تنها به این نکته اشاره شده که سلیمان بن مهران از یاران امام صادق علیه السلام است (طوسی، ۱۳۷۳: ۲۱۵) و برخلاف نظر برخی متخصصان مبنی بر مجهول بودن وی (حلی، ۱۳۴۲: ۱۷۷)، او از نظر رجالی، فردی مهمل است.

#### ۱-۱-۳- استناد به منابع معتبر شیعی

کلبرگ در مقاله «امام و قوای بصری» از منابع معتبر و متعدد حدیثی شیعه استفاده کرده است از جمله: *امالی*، *کمال الدین و اتمام النعمه و الخصال* از شیخ صدوق، *الکافی* از شیخ کلینی، *بصائر الدرجات* از صفار قمی، *الخرائج و الجرائح* از قطب‌الدین راوندی، *کامل الزیارات* از ابن قولویه، *الاختصاص* از شیخ مفید، *مناقب آل ابی‌طالب* از ابن شهر آشوب مازندرانی، *اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات* از شیخ حر عاملی. همچنین از منابع معتبر تفسیری شیعی از جمله *تفسیر قرآن* از عیاشی، *تفسیر صافی* از فیض کاشانی، *تفسیر از علی بن ابراهیم قمی* و *تفسیر البرهان* از بحرانی بهره برده است.

#### ۱-۱-۴- دقت در منابع برخی روایات

کلبرگ در ادامهٔ مبحث نقش مسح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام در انجام معجزات، روایتی را از ابن شهر آشوب (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۱۱۶/۱) نقل کرده (Kohlberg, 2003: 151)، در پاورقی خاطر نشان می‌کند که منبع اصلی این روایت، کتاب *ابانة الکبری* [اثری سه جلدی (ذهبی، ۱۴۱۴: ۵۲۹/۱۶)] از ابن بطة الکبری است که فقط بخشی از آن باقی مانده است

#### ۱-۱-۵- توجه به آفت‌های احتمالی در هنگام صدور حدیث

کلبِ برگ روایتی درباره توانایی امام صادق علیه السلام در بینا نمودن فرد نابینا نقل می‌کند، با این مضمون که امام با مسح دیدگان ابوبصیر، او را بینا ساخت، سپس بار دیگر چشمان وی را مسح کرد و دوباره ابوبصیر را به حالت نابینایی بازگرداند (این شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۲۳۹/۴). کلبِ برگ در ادامه، علت این کار امام را رعایت تقیّه می‌داند؛ زیرا قدرت امام در بازگرداندن بینایی، رازی است که اگر آشکار شود، ممکن است هم امام و هم شاگرد وی را به خطر اندازد (Kohlberg, 2003: 142). کلبِ برگ در پاورقی می‌گوید که این راز حفظ نشد؛ زیرا هنگامی که ابوعروه و ابوبصیر وارد خانه امام می‌شوند، ابوبصیر به پنجره کوچکی که در نزدیکی سقف وجود دارد، اشاره می‌کند. ابوعروه متعجب می‌شود که ابوبصیر چگونه جای آن پنجره را می‌داند؛ ابوبصیر به وی می‌گوید: «ابوجعفر [امام باقر علیه السلام] آن را به من نشان داد» (طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۶۷).

#### ۱-۱-۶- توجه به آفت‌های احتمالی در هنگام نقل حدیث

از نکات تأمل‌برانگیز دیگر در مقاله «امام و قوای بصری»، توجه به آفت‌های احتمالی در هنگام نقل حدیث است. کلبِ برگ روایتی را از کتاب *مشارق أنوار الیقین فی أسرار أميرالمؤمنین علیه السلام* نقل می‌کند (Kohlberg, 2003: 149):

هنگامی که علی بن عاصم کوفی که نابینا بود، نزد امام حسن عسکری علیه السلام آمد، امام به وی می‌فرماید که فرشی می‌بافد که بسیاری از پیامبران و امامان علیهم السلام بر آن گام برداشته‌اند و روی آن راه رفته‌اند. علی با خود می‌گوید: «چقدر دلم می‌خواهد بتوانم این فرش را ببینم». امام علیه السلام که افکار علی را می‌خواند، به وی می‌گوید که نزدیک شود، پس صورت او را لمس کرد و او توانست ببیند. علی ردّ پاهایی را روی فرش دید و امام توضیح داد که اینها ردّ پای انبیا و وارثان ایشان از آدم علیه السلام تا امامان علیهم السلام است. سپس امام به علی امر کرد که نگاه خود را پایین بیاورد و علی چنین کرد و دوباره نابینا شد (حافظ برسی، ۱۴۲۲: ۱۵۵).

کلبرگ در پاورقی می‌گوید: «تقریری از روایت مذکور را با اندکی تحریف، خصیبه در کتاب *هدایة الکبری* (خصیبه، ۱۴۱۹: ۳۳۵-۳۳۷) ذکر کرده است» (Kohlberg, 2003:149).

کلبرگ از کتاب *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد* (صفار، ۱۴۰۴: ۴۲۲) روایتی درباره معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز سفر خود از مکه به مدینه نقل می‌کند:

آن حضرت هنگامی که داخل غار در کنار ابوبکر بود، جعفر بن ابی‌طالب و همراهان وی را در کشتی و روی دریاها طوفانی دید و به ابوبکر، آنچه را دیده بود، گفت. هنگامی که ابوبکر درخواست کرد تا وی نیز این صحنه را ببیند، پیامبر صلی الله علیه و آله چشمان وی را مسح کرد و به وی گفت: «بنگرا!» ابوبکر کشتی و محل اقامت اهل مدینه را نیز دید. با خود گفت: «اکنون باور دارم که تو ساحری» (Kohlberg, 2003: 133).

کلبرگ در پاورقی می‌گوید که این روایت با اندکی تفاوت در آثاری چون تفسیر قمی (قمی، ۱۳۶۷: ۲۹۰/۱) نیز نقل شده است. کلبرگ با تتبع در نسخه‌های مختلف از چاپ‌های مختلف تفسیر قمی، این نکته را خاطرنشان می‌کند که در چاپ این تفسیر در نجف، اثری از روایت مذکور مشاهده نمی‌شود، در حالی که در سایر چاپ‌های تفسیر قمی، این حدیث وجود دارد. وی در توضیح علت این مسئله می‌گوید: «از آنجا که در ادامه این روایت، تفسیر موهنی از لقب ابوبکر (صدیق) شده است، ممکن است آن روایت در چاپ نجف، سانسور شده باشد» (Kohlberg, 2003: 139).

همچنین کلبرگ به روایتی از امام علی علیه السلام درباره معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند (Ibid.): «پیامبر صلی الله علیه و آله در غزوه احد، یکی از چشمان قتاده بن ربیع یا قتاده بن نعمان انصاری را که از حدقه بیرون آمده بود، به جای خود برگرداند و آن چشم پس از آن، سالم‌ترین چشم قتاده بود و وی به «مردی با دو چشم» (ذوالعینین) مشهور شد» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲۲۴/۱). کلبرگ همه نقل‌های متفاوت از آن واقعه را بررسی کرده، خاطرنشان می‌کند که در نقل‌های دیگر در سایر منابع مانند *اعلام الوری* (طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۸)، یا نامی از آن صحابی یا نامی از غزوه آورده نشده است.



کلبرگ در مقاله «امام و قوای بصری» به نسخه‌های منابع نیز دقت داشته است. وی در خصوص چگونگی شنغایافتن نابینایی فردی به نام قاسم بن علاء با توسل به امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام، دو تقریر متفاوت را از کتاب *الخرائج و الحرائج* تألیف راوندی در متن و پاورقی ذکر می‌کند و در تبیین منبع آن، در پاورقی تأکید می‌کند که این تقریر را ابن طاووس از راوندی نقل کرده است. بنابراین، ممکن است ابن طاووس نسخه‌ای از اثر مذکور را در اختیار داشته که از آنچه در نمونه‌های چاپی آمده است، متفاوت باشد (Ibid: 150).

از دیگر نقاط قوت روش کلبرگ، توجه به اشتباه‌های موجود در نقل و استنساخ برخی روایات است؛ وی در روایتی درباره معجزه‌ای به دست پیامبر صلی الله علیه و آله، تأکید می‌کند که در برخی منابع، نام صحیح راوی حدیث که عثمان بن حنیف است، به اشتباه جنید درج شده است (Ibid: 138). همچنین در روایتی دیگر، پس از ذکر محتوای حدیث با این مضمون که امام باقر علیه السلام از درون خانه خویش و با نیروی بصری ویژه امامان، از گناه یکی از مراجعه‌کنندگان هنگام ورود به خانه امام، آگاه می‌شود، در پاورقی به ذکر تقریرهای مختلف از نام مراجعه‌کننده می‌پردازد و این تفاوت در نقل را نتیجه اشتباه در استنساخ می‌داند (Kohlberg, 2003: 129). این دقت کلبرگ در اشتباه درباره نام کنیز نابینای ابوبکر - که زینبا بود و به اشتباه در منابع دیگر مانند مناقب آل ابی طالب (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۱: ۱۱۷)، زهرا درج شده است - نیز مشاهده می‌شود. بینایی کنیز مذکور به اذن خداوند و به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله بازگردانده شد (Kohlberg, 2003: 139).

#### ۱-۲- نقاط ضعف در مرحله دستیابی به حدیث صحیح

نقاط ضعف برجسته روش کلبرگ در مرحله دستیابی به حدیث صحیح عبارت است از:

##### ۱-۲-۱- دقت نداشتن در برخی انتساب‌ها

کلبرگ در انتساب کتاب *عیون المعجزات* به سید مرتضی اشتباه می‌کند (Kohlberg, 2003: 137)؛ مؤلف کتاب مذکور حسین بن عبدالوهاب است. البته می‌توان علت انتساب کتاب مذکور به سید مرتضی را در ناشناخته بودن حسین بن عبدالوهاب دانست؛ زیرا در کتب رجالی متقدم، هیچ اشاره و شرح حالی از وی وجود ندارد. غالب

است که مجلسی در بحارالانوار، از این کتاب بهره برده و احادیثی را نقل کرده اما امکان تشخیص دقیق مؤلف آن را نداشته است و ضمن آنکه نظر برخی افراد درباره انتساب عیون المعجزات به سید مرتضی را نپذیرفته، با عبارت «لعله من مؤلفات بعض قدماء المحدثین»، اعتراف می‌کند که نویسنده آن را نمی‌شناسد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱/۱). البته می‌توان با مراجعه به کتب متأخر و بررسی شرح حال‌نگاری‌های امامیه، اطلاعاتی از مؤلف حقیقی آن یعنی حسین بن عبدالوهاب به دست آورد؛ وی یکی از عالمان شیعی قرن پنجم هجری است (افندی، ۱۴۰۱: ۱۲۳/۲-۱۲۴) که در وصف وی گفته‌اند فقیه و دانشمند جلیل امامی و آگاه از اخبار و احادیث بوده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۳۸۵/۱۵).

#### ۱-۲-۲- استفاده از منابع نامعتبر یا خدشه‌دار

کلبرگ گاهی از منابعی استفاده کرده است که اعتبار آنها از منظر صاحب‌نظران، خدشه‌پذیر است؛ کلبرگ در چند مورد به کتاب الهدایة الکبری ارجاع داده است (Kohlberg, 2003:135). این کتاب اثر حسین بن حمدان جنبلانی خصیبی است (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۴۶) که طبق نظر محققان، وی فاسد المذهب بوده (نجاشی، ۱۳۶۵: ۶۷) و بررسی کتاب مذکور نشان می‌دهد که برخی مطالبش موهوم تحریف قرآن است و بیانگر تفاوت قرآن حاضر با قرآنی است که امام زمان (عج) در هنگام ظهور به همراه خود خواهد آورد (خصیبی، ۱۴۱۹: ۴۰۴). همچنین وی در بخش‌هایی از کتاب مذکور، مقام نیابت از امام را برای محمد بن نصیر مطرح کرده است (همان: ۳۲۳)، در حالی که فرد مذکور در ابتدا از یاران امام هادی علیه السلام بود (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۰۲)، اما پس از آن، امام هادی علیه السلام را خدا دانست و خود را پیامبری فرستاده‌شده از سوی ایشان معرفی کرد (اشعری قمی، ۱۳۶۰: ۱۰۰). از دیگر عقاید وی، حلال بودن تمام محرّمات الاهی بود (کشی، ۱۴۰۹: ۵۲۱-۵۲۰). وی از اطرافیان امام عسکری علیه السلام نیز بود و ادعای مقام بابت امام زمان علیه السلام را داشت (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۹۸). پیروان وی را «نصیری» (ابن الغضائری، ۱۳۶۴: ۹۹) یا «نمیری» می‌نامیدند که از جمله فرقه‌های غالی بود (اشعری، ۱۴۰۰: ۱۵). باید توجه داشت که برخی، فرقه «نصیری» یا «علویه» را همان فرقه منتسب به محمد بن نصیر فهری می‌دانند (مشکور، ۱۳۷۲: ۴۴۲) که حسین بن حمدان خصیبی از علما و ترویج‌کنندگان عقاید این

واکاوی روش کلبرگ در فهم قوای بصری امام با رویکردی به فقه الحدیث امامیه / ۳۷

فرقه (ابن ابی الثلج بغدادی، ۱۴۱۰: ۵۶)، مجدداً آن را شکوفا کرد؛ هرچند برخی دیگر، خصیبه را بنیان‌گذار این فرقه دانسته‌اند (فرايمن، ۱۳۸۶: ۱۳۷-۱۷۰).

اثر دیگری که کلبرگ در مقاله مذکور به آن استناد کرده است، کتاب *مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمير المؤمنين* از حافظ بُرسی است (Kohlberg, 2003: 136). برخی علما در صحت اعتقادات و مطالب آثار حافظ بُرسی، خدشه و تشکیک کرده‌اند؛ شیخ حرّ عاملی معتقد است که اثر حافظ بُرسی حاوی مطالب افراطی است (حر عاملی، ۱۳۶۲: ۱۱۷/۲). مجلسی نیز کتاب *مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمير المؤمنين* را حاوی مطالبی موهم و غلوآمیز و آمیخته‌ای از آموزه‌های درست و نادرست دانسته است و تأکید دارد که از روایات موجود در آن کتاب، تنها آنچه که با کتب معتبر مطابق بوده، نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/۱). در مقابل این سخنان، برخی علما مانند علامه امینی از حافظ بُرسی دفاع کرده و انتساب هرگونه اتهام غلو به بُرسی را رد کرده‌اند (امینی، ۱۳۹۷: ۵۰/۷). در مجموع می‌توان گفت استفاده از اصطلاحات و تعبیرات فلسفی و عرفانی مانند فیض اوّل (حافظ بُرسی، ۱۴۲۲: ۲۹۹)، استفاده از سخنان عارفان بزرگی مانند ابن عربی (همان: ۵۶)، تأثیر پذیرفتن از اشعار صوفیانه افرادی چون ابن‌فارض (همان: ۲۷۷)، نقل متفرداتی چون خطبه افتخار (همان: ۲۶۰) و نقل برخی اخبار شگفت‌آور در فضایل اهل بیت علیهم‌السلام (همان: ۳۱۵)، زمینه‌ساز استنکاف برخی محققان از وی و خدشه‌دار دانستن اعتبار کتاب وی است.

## ۲- مرحله دوم: فهم متن حدیث

می‌توان با دقت در فهم مفردات و ترکیبات متن، به فهم عام حدیث که در ابتدا به ذهن مخاطبان آشنا به زبان عربی می‌رسد، دست یافت. برای دستیابی به معنای صحیح هر یک از واژه‌های به‌کاررفته در حدیث، باید بر علم صرف و فقه‌اللغه در ادبیات عرب و غریب الحدیث در علم الحدیث تسلط داشت (مسعودی، ۱۳۸۹: ۷۸-۷۴). پس از فهم معانی واژه‌ها، نوبت به فهم عبارت‌ها می‌رسد که می‌توان با کنار هم قرار دادن واژه‌ها و شناخت حالت و حرکت حرف آخر هر کلمه (عکبری، ۱۴۱۶: ۴۰) و ترکیب کلمات جمله (جرجانی، ۱۴۱۱: ۱۹۹) و توجه به مقتضای حال مخاطب (سکّاک، ۱۴۳۰: ۲۴۷)، به فهم عبارت دست یافت.

## ۲-۱- نقطه قوت در فهم متن حدیث

سوابق مطالعاتی کلبرگ در ادبیات عرب، درخور توجه است. تمرکز کلبرگ در پژوهش‌های علمی‌اش که سابقه‌ای بیش از چهل سال دارد، بر مطالعات اسلامی به ویژه اسلام شیعی بر مبنای احادیث بوده است (محمدی صبور، ۱۳۹۵، 462، <http://www.haadi.ir/News>)؛ تأمل در آثار متعدّد وی که بر مبنای منابع عربی نگاشته شده است، حکایت از توانمندی وی در فهم زبان عربی دارد. در مورد توانمندی کلبرگ در فهم برخی از ترکیبات حدیث، گفتنی است که ترجمه‌های مناسبی از عبارات‌های مختلف حدیثی در آثار ایشان، وجود دارد. اما در تتبع نگارنده، ترجمه برجسته‌ای که حاوی نکات بلاغی و نحوی تأثیرگذار در فهم روایات بوده و مورد عنایت کلبرگ قرار گرفته باشد، به دست نیامد.

## ۲-۲- نقطه ضعف در فهم متن حدیث

بهترین راه برای فهم معنای هر واژه، رجوع به منابع لغوی است. کلبرگ پس از استناد به آیه ۷۵ سوره مبارکه انعام، می‌گوید: «طبق سنن شیعی، همان رؤیتی که به حضرت ابراهیم علیه السلام داده شده، به امامان علیهم السلام نیز اعطا شده است» (Kohlberg, 2003: 126). البته ماهیت این رؤیت، مورد اختلاف صاحب‌نظران است؛ برخی معتقدند که آیه مذکور، به نور و مشاهده درونی اشاره دارد (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۲/۴۸۵)؛ اما تفسیری که ظاهراً سنت شیعی متقدم را دقیق‌تر منعکس می‌کند، آن است که حضرت ابراهیم علیه السلام، آسمان‌ها و زمین را با چشمان جسمانی خود دید<sup>۲</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۸/۹).

به نظر کلبرگ، فعلی که بیشتر برای شرح آنچه بر زمین و آسمان رفته است به کار می‌رود، فعل «کشط» است که معنای آن با استناد به تفاسیر روایی مانند تفسیر عیاشی، البرهان فی تفسیر القرآن و الصافی، کندن - مانند کندن پوست حیوان - است (Kohlberg, 2003: 126). در حالی که برای رسیدن به معنای واژه مذکور، صحیح‌تر بود که به منابع لغوی مانند العین (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵/۲۸۹) و مفردات الفاسط قرآن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۱۲) یا به تفاسیر ادبی مانند الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۷۰۹) و جوامع الجامع (طبرسی، ۱۳۷۷: ۴/۴۴۹) نیز مراجعه شود.

### ۳- مرحله سوم: فهم مقصود حدیث

پس از آنکه در مرحله فهم متن حدیث، مراد استعمالی یا همان معنای ظاهری کلام معصوم به دست آمد، باید به فهم مراد جدی معصوم دست یافت. به نظر نگارنده، بدین منظور باید به چهار مسئله اساسی توجه کرد که عبارت است از: توجه به آموزه‌های قرآنی و سنت، گردآوری اسباب و قرینه‌های صدور، گردآوری احادیث مشابه و معارض و استفاده از عقل و دانش‌های بشری.

### ۳-۱- توجه به آموزه‌های قرآن و سنت

مهمترین معیار برای سنجش فهم حدیث، رجوع به آموزه‌های قرآنی بر مبنای قطعی الصدور بودن قرآن و ظنی الصدور بودن حدیث است (شاطبی، ۱۴۲۵: ۴: ۵-۶). بر اساس آموزه‌های قرآنی (حشر: ۷)، پشتوانه حجیت سنت پیامبر ﷺ، قرآن است و در احادیث نبوی ﷺ (حمیری، ۱۴۱۳: ۹۲) و اهل بیت علیهم السلام (صدوق، ۱۳۷۸: ۳۶۷) نیز بر این نکته تأکید شده که معیار سنجش صحیح احادیث، عرضه آن بر قرآن و موافقت آن با قرآن یا سنت مقطوع و احادیث دیگری از اهل بیت علیهم السلام است (کشی، ۱۴۰۹: ۲۲۴).

### ۳-۱-۱- نقاط قوت کلبرگ در توجه به آموزه‌های قرآن و سنت

نمونه‌هایی از نقاط قوت کلبرگ در توجه به آموزه‌های قرآنی و سنت در فهم احادیث بدین شرح است:

### ۳-۱-۱-۱- شواهد قرآنی قوای نظری امام

کلبرگ درباره مبنای قرآنی قوای نظری امام نیز بحث کرده است. کلبرگ می‌گوید: «بر اساس احادیث شیعی، قوای نظری امام، از سطح زمین فراتر می‌رود و گستره آن، بخش‌هایی از ملکوت و زمین را که از چشم سر، پنهان است، نیز در برمی‌گیرد». وی مبنای این باور شیعی را در آیه ۷۵ سوره مبارکه انعام: «وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ...» می‌داند و تأکید دارد که بر اساس روایات شیعی، همان توانمندی بصری که به حضرت ابراهیم علیهم السلام داده شده، به امامان علیهم السلام نیز اعطا شده است (Kohlberg, 2003: 126). با بررسی

منابع روایی و تفسیری مرتبط (نک: صفار، ۱۴۰۴: ۱۰۷؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۶۳/۱)، این دیدگاه کلبرگ تأیید می‌شود.

### ۳-۱-۱-۲- شواهد قرآنی بینا ساختن نابینا به دست امامان علیهم‌السلام

کلبرگ درصدد تحلیل قرآنی بینا ساختن نابینا به دست امامان علیهم‌السلام از منظر شیعه است. وی با استناد به آیه ۴۹ سوره مبارکه آل عمران و آیه ۱۱۰ سوره مبارکه مائده، بینا ساختن نابینا را یکی از معجزه‌های الهی ذکر می‌کند که به دست حضرت عیسی علیه‌السلام به وقوع پیوست. سپس با استناد به روایات شیعی، به دو نکته اشاره می‌کند (Kohlberg, 2003: 137): ۱. این توانایی الهی از حضرت عیسی علیه‌السلام به برخی از حواریون انتقال داده شد (نک: کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰۶/۲)؛ ۲. قدرت شفای معجزه‌آسا که به حضرت مسیح علیه‌السلام داده شده بود، به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام نیز عطا شده است (ابن عبدالوهاب، ۱۳۶۹: ۱۳۱). بررسی منابع روایی و تفسیری مرتبط، این دیدگاه کلبرگ را تأیید می‌کند.

### ۳-۱-۱-۳- شواهد قرآنی مسخ دشمنان شیعه

کلبرگ به شواهد قرآنی مسخ شدن دشمنان امامان علیهم‌السلام نیز اشاره کرده و بر اساس آیه ۶۰ سوره مبارکه مائده می‌گوید: «مجازات برخی انسان‌هایی که اعمال ناپسند انجام می‌دهند، این است که مسخ شده، به میمون و خوک تبدیل می‌شوند؛ از این‌رو، مسخ انسان‌هایی که مرتکب گناهان خاصی می‌شوند، شاهد قرآنی دارد» (Kohlberg, 2003: 143-144). بر اساس روایات شیعی، کسانی که با شیعه، دشمنی ورزیده، امامان ایشان را به شهادت برسانند، مسخ خواهند شد؛ کلبرگ به عنوان نمونه، به امویان غاصب اشاره کرده است که به وزغ تبدیل شدند (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹: ۴۲۸/۱). کلبرگ در ادامه به ذکر احادیثی در این زمینه می‌پردازد؛ در یکی از احادیث نقل شده است که امام صادق علیه‌السلام با دست کشیدن بر چشمان ابوبصیر، ماهیت اکثر حجاج را که به شکل میمون و خوک‌اند، به او نشان می‌دهد (صفار، ۱۴۰۴: ۲۷۰).

### ۳-۱-۱-۴- شواهد قرآنی تفاضل مقام امامان علیهم‌السلام بر حضرت ابراهیم علیه‌السلام

کلبرگ روایتی را نقل می‌کند (Kohlberg, 2003: 137) با این مضمون که امام هادی علیه‌السلام شخص کوری را شفا بخشید و در پرنده‌ای ساخته‌شده از گل رس دمید و آن را به

پرنده‌ای زنده تبدیل کرد. فردی که در مجلس حاضر بود، به ایشان گفت که تفاوتی بین امام و مسیح نیست؛ امام پاسخ داد: «من از اویم و او از من است» (بحرانی، ۱۴۱۳: ۴۴۳/۴). کلبِگ در ادامه اشاره دارد که در این روایت، امام و مسیح برابر نشان داده شده‌اند؛ اما نظریه غالب آن است که حضرت محمد ﷺ و امامان علیّی برتر از سایر پیامبران، مانند حضرت عیسی علیّی و حضرت ابراهیم علیّی هستند (Kohlberg, 2003: 138).

کلبِگ برای این ادّعی خود به دو حدیث از اهل بیت علیّی استناد می‌کند؛ در حدیث اوّل، امام صادق علیّی تأکید فرموده‌اند که از ۷۳ حرفی که اسم اعظم خداوند را تشکیل می‌دهند، دو حرف به حضرت عیسی علیّی داده شده بود که آن حضرت با کمک این دو حرف، مرده را به زندگی بازمی‌گرداند و کور و جذامی را شفا می‌بخشد. اما پیامبر ﷺ و امامان علیّی، ۷۲ حرف را در اختیار دارند (صفار، ۱۴۰۴: ۲۰۹). در حدیث دوّم نقل شده است که امام باقر علیّی، جابر را به سفری می‌برد که جابر در طول آن، ظلماتی را که ذوالقرنین از میان آن گذشته بود، چشمه آب حیاتی را که خضر علیّی از آن نوشیده بود و پنج جهانی را که مانند جهان کنونی است، می‌بیند. امام علیّی توضیح می‌دهد که اینها ملکوت زمین هستند که حضرت ابراهیم علیّی ندیده بود (همان: ۴۰۵).

البته می‌توان برای تکمیل مستندات این ادّعی صحیح کلبِگ، به آموزه‌های قرآنی و روایی دیگری نیز استناد جست، مانند: ۱. بر اساس آموزه‌های قرآنی، منصب امامت بر منصب نبوّ برتری دارد؛ زیرا بر اساس آیه ۱۲۴ سوره بقره، حضرت ابراهیم علیّی در اواخر عمر خود و بعد از پیروزی در امتحان‌های مختلف و سنگین به مقام امامت رسید، در حالی که قبل از این، جایگاه رسالت را در اختیار داشت، ولی در عین حال ظرفیت پذیرش مقام امامت را نداشت (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷۰/۱). ۲. از یک سو، در آموزه‌های قرآنی (احزاب: ۴۰) و روایی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۹۸/۳) بر برتری پیامبر اسلام ﷺ بر سایر انبیای الهی تأکید شده است و از سوی دیگر، در آیه مباحله (آل عمران: ۶۱) ذکر شده است که حضرت علی علیّی نفس پیامبر ﷺ است (قاسمی، ۱۴۱۸: ۳۲۹/۲). از این رو، چنانچه امام علی علیّی نفس پیامبر اسلام ﷺ باشد و پیامبر ﷺ نیز از دیگر پیامبران الهی برتر باشد، ناگزیر حضرت علی علیّی، از دیگر پیامبران الهی، برتر خواهد بود. ۳. امام صادق علیّی فرموده است: «همانا نزد ما سرّی از اسرار خداوند و

علمی از علم الاهی است که نه ملک مقرب و نه نبی مرسل و نه مؤمن آزموده‌شده به ایمان، توان دریافت آن را ندارد و خداوند، کسی را بدان مکلف نکرده و احدی غیر از ما [اهل بیت علیهم‌السلام] خداوند را به واسطه این علم، پرستش نکرده است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۰۲/۱).

به نظر می‌رسد حدیثی که در ابتدا از امام هادی علیه‌السلام نقل شد که در آن حضرت فرمودند که من از حضرت عیسی علیه‌السلام و او از من است، در تبیین رابطه طولی و تفاضل میان ایشان نیست، بلکه درصدد تبیین این نکته است که تمامی انبیا و امامان علیهم‌السلام، به وسیله اعجازی که خداوند در زمینه‌های مختلف در اختیارشان قرار داده بود، درصدد هدایت مردم به سوی خداوند متعال بودند.

### ۳-۱-۲- نقطه ضعف کلبرگ در توجه به آموزه‌های قرآن و سنت

برجسته‌ترین نقطه ضعف روش کلبرگ در توجه به آموزه‌های قرآنی و سنت این است که وی تأکید دارد کیفیت جوهری که فرشتگان از آن ساخته شده‌اند، همان کیفیت جوهری است که اجنه از آن ساخته شده‌اند، اما در خصوص پرسش از اینکه آیا امامان علیهم‌السلام می‌توانند فرشتگان را ببینند، پاسخ روشنی ندارد و پس از نقل حدیثی بر این نکته تصریح می‌کند که هنگامی که امامی به امامت می‌رسد، فرشتگان برای وی دیدنی نخواهند بود (Kohlberg, 2003: 130). کلبرگ این دیدگاه خود را از حدیثی از امام صادق علیه‌السلام گرفته که متن آن بدین قرار است:

هنگامی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رحلت فرمود، جبرئیل و دیگر فرشتگان به زمین فرود آمدند؛ چشمان علی علیه‌السلام باز شد و او دید که ایشان در غسل پیامبر علیه‌السلام، نماز گزاردن بر بدن وی و حفر قبر، به وی پیوسته‌اند. آن‌گاه گوش‌های وی گشوده شد و او شنید که فرشتگان به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌گویند: او [یعنی علی] دیگر هرگز با چشمان خویش، آنها را نخواهد دید. پس از مرگ امام علی علیه‌السلام، حسن علیه‌السلام و حسین علیه‌السلام فرشتگان را دیدند که جسد پدرشان را می‌شویند و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ایشان کمک می‌کند. هنگامی که امام حسن علیه‌السلام وفات کرد، امام حسین علیه‌السلام فرشتگان را دید که جسم برادرش را می‌شویند و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علی علیه‌السلام به ایشان کمک می‌کنند. بر پیکر امام حسین علیه‌السلام نیز فرشتگان، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امام



واکاوی روش کلبرگ در فهم قوای بصری امام با رویکردی به فقه الحدیث امامیه / ۴۳

علی علیه السلام و حسن علیه السلام حضور یافتند. این رخداد با هر امام جدیدی، تکرار می‌شد (صفار، ۱۴۰۴: ۲۲۵).

با تأملی در آموزه‌های قرآن و سنت درباره این ادعای کلبرگ، سه نکته اساسی در رد ادعای وی به دست می‌آید:

۱. بر اساس آموزه‌های قرآنی، انسان‌های مخلصی مانند حضرت مریم (مریم: ۱۷) و آسیه، همسر حضرت ابراهیم علیه السلام (هود: ۷۱) فرشتگان را دیده‌اند. حتی افراد منحرف قوم لوط نیز فرشتگان عذاب خویش را دیده‌اند (هود: ۷۸) که این مسئله فضیلتی برای آن قوم نیست. اگر افرادی که دارای عصمت مطلق نیستند، می‌توانند فرشتگان را مشاهده کنند، چگونه می‌توان مشاهده فرشتگان را برای فردی که به امامت رسیده و دارای عصمت مطلق است، ناممکن دانست؟

۲. کلبرگ می‌گوید «شاید این باور که امام حاضر نمی‌تواند فرشتگان را ببیند، با نظریه امامی محدث بودن امام ارتباط داشته باشد. بر اساس این نظریه، وحی ای که هم با شنیدن صدای فرشته و هم با دیدن وی دریافت شود، امتیاز خاص انبیا علیهم السلام است و امامان علیهم السلام معرفت را فقط از طریق شنوایی دریافت می‌کنند» (Kohlberg, 2003: 131). این نظریه می‌تواند تنها ناظر به دریافت الهام الاهی باشد؛ بدین معنا که تنها در هنگام دریافت الهام الاهی، امام نمی‌تواند فرشته را ببیند. بنابراین شاید بتوان حدیثی که مورد استناد کلبرگ قرار گرفته است را این‌گونه معنا کرد که امام، فرشتگان مخصوص تدفین را در مراحل دیگر زندگی خویش، مشاهده نخواهند کرد.

۳. کلبرگ در ادامه، با ذکر دو حدیث، ادعای خود را نقض می‌کند (Kohlberg, 2003: 131). وی حدیثی را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که در آن، حضرت از امامانی سخن می‌گوید که معرفت را از مخلوقی بزرگ‌تر از جبرئیل و میکائیل می‌گیرند و ایشان او را با چشمان خود می‌بینند (صفار، ۱۴۰۴: ۲۳۱). همچنین در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام، امام علیه السلام و فرد همراه ایشان، حضرت جبرئیل و حضرت عزرائیل را مشاهده کرده‌اند (همان: ۲۳۴).

### ۳-۲- گردآوری اسباب و قرینه‌های صدور

منظور از سبب صدور حدیث، شرایطی است که موجب شده است پیامبر ﷺ (ابن ابی شهبه، بی تا: ۴۶۷) و اهل بیت ﷺ سخنی بگویند. اسباب صدور حدیث به شکل قرینه‌هایی چون شرایط تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، حالت‌های گفت‌وگو و پرسش‌های نهان راوی حدیث است (فرزند وحی، ۱۳۸۷: ۸۲). قرینه، هر چیزی است که همراه کلام بوده، مخاطب را به معنایی که مراد جدی متکلم است، راهنمایی می‌کند.

### ۳-۲-۱- نقطه قوت در گردآوری اسباب صدور و قرینه‌ها

کلبرگ روایتی را از امام باقر ﷺ نقل می‌کند (Kohlberg, 2003: 129):

مبصر بیاع الزوطی به خانه امام باقر ﷺ آمد و بر در کوبید، کنیز جوانی در را گشود. مبصر دست بر سینه او نهاد و از او خواست تا امام را از حضورش مطلع سازد. در آن لحظه، امام باقر ﷺ که در گوشه دیگر خانه بود، به وی گفت وارد شود و فرمود: «اگر این دیوارها، دید ما را می‌پوشاندند، چنان‌که دیدگان شما را می‌پوشاندند، شما و ما [یعنی امامان] یکسان بودیم». مبصر در پاسخ به توبیخ رفتار گستاخانه‌اش گفت: «من فقط می‌خواستم اعتقاد خود را محکم سازم» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۱۸۲/۴).

کلبرگ بر اساس قراین موجود در این روایت می‌گوید که قوای فرابشری امامان ﷺ ارتباط نزدیکی با معرفت ایشان از امور نهان دارد و در حدیث مذکور، بر قوای بصری ایشان تأکید شده است.

### ۳-۲-۲- نقاط ضعف در گردآوری اسباب صدور و قرینه‌ها

نقطه ضعف برجسته‌ای در روش کلبرگ برای گردآوری اسباب صدور و قرینه‌ها مشاهده نشد.

### ۳-۳- گردآوری احادیث مشابه و معارض

مهمترین کارکرد گردآوری احادیث مشابه و تشکیل خانواده حدیث، شناخت انواع روایات، کشف روابط میان روایات و کشف معنای جامع از مجموع روایات مشابه است

واکاوی روش کلبرگ در فهم قوای بصری امام با رویکردی به فقه الحدیث امامیه / ۴۵

(معارف، ۱۳۸۳: ۴۶-۷۴). باید به احادیث معارض با حدیث که بر اساس عوامل متعددی مانند تقیه، تدریجی بودن بیان احکام، اختلاف سطح بینش راویان، دخالت‌های عمدی و غیرعمدی راویان و ناسخان ایجاد شده‌اند (سیستانی، ۱۴۱۴: ۲۶)، نیز عنایت داشت. گاهی با دستیابی به احادیث معارض، فهم اولیه از حدیث، عمیق‌تر یا دگرگون می‌شود.

### ۳-۳-۱- نقاط قوتِ گردآوری احادیث مشابه و معارض

برخی نقاط قوتِ روش کلبرگ در گردآوری احادیث مشابه و معارض عبارت است از:

#### ۳-۳-۱-۱- زمان دقیق دستیابی امام بر عمود نور

کلبرگ مسئله دستیابی به عمود نور را از توانمندی‌های بی‌نظیر امامان علیهم‌السلام می‌داند و درباره زمانی که این توانمندی در اختیار امام قرار می‌گیرد، پنج‌گونه روایات معارض را گزارش می‌کند (Kohlberg, 2003: 125): هنگامی که امام به این دنیا می‌آید (صفار، ۱۴۰۴: ۴۳۱)، هنگامی که سخن گفتن را آغاز می‌کند (همان)، زمانی که راه رفتن را می‌آموزد (همان: ۴۳۲)، هنگامی که به دوران جوانی می‌رسد (همان) و هنگامی که به امامت می‌رسد (همان). کلبرگ پس از ذکر این اختلاف‌نظرها درباره زمان دقیق دستیابی امام بر عمود نور، ریشه این اختلاف را در پاسخ به این پرسش می‌داند که آیا قوای فرا انسانی امام، فطری است یا اینکه امام، این قوا را در مرحله‌ای از زندگی خویش، دریافت می‌کند؟

برای تکمیل مباحث کلبرگ، باید به سه نکته توجه کرد:

۱. در روایات، زمان دیگری نیز برای دستیابی امام بر عمود نور نقل شده است که

آن، چهل روز پس از انعقاد نطفه امام است (همان: ۴۳۹).

۲. در خصوص چستی عمود نور، روایات متعددی از اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده

است؛ امام باقر علیه‌السلام آن را جواب‌گوی نیازهای امام (همان: ۴۴۲) و امام صادق علیه‌السلام آن را مساعدت روح القدس در آگاهی امام از شرق و غرب عالم می‌داند (همان: ۴۵۴) و امام رضا علیه‌السلام مراد از عمود نور را ملک‌ی دانسته که در هر شهری موکل است و خداوند به وسیله آن، اعمال بندگان آن شهر را بالا برده و نمایان می‌سازد (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۸۸/۱). با جمع‌بندی این سخنان، می‌توان عمود نور را حاصل اعمال انسان‌ها دانست که امام با مساعدت روح القدس و نگرستن در این عمودها که از هر شهر و آبادی‌ای ساطع

می‌شود، بر اعمال بندگان آگاهی می‌یابد (رضوی، ۱۳۹۱: ۱۷۹). این مسئله بیانگر جایگاه بی‌نظیر امامان علیهم‌السلام در نظام هستی و نقش آنان در تکامل روحی انسان است (رضوی، شاکر، ۱۳۹۱: ۶۳).

۳. در پاسخ به پرسشی که کلبرگ مطرح کرد، باید گفت که این مواهب به صورت بالقوه در فطرت هر فردی وجود دارد، اما امامان علیهم‌السلام بر اثر شایستگی و لیاقتی که دارند، آن را به عالی‌ترین حدّ به فعلیت رسانده‌اند. مانند عصمت که هر انسانی می‌تواند به درجه‌ای از آن برسد اما امامان علیهم‌السلام، علاوه بر آن مراتب فطری و اکتسابی، خداوند با لطف خود (حلی، ۱۳۶۵: ۶۶) بالاترین حدّ عصمت را برای آنها رقم می‌زند تا ایشان به دلیل نقش بی‌نظیر خود در هدایت هستی، از هرگونه گناه (ابن اَبی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۸/۷) و خطا (مغنیه، ۱۴۱۴: ۱۹۱) مصون باشند. این در حالی است که امامان علیهم‌السلام توانایی انجام گناه و خطا را دارند (السیوری، ۱۴۲۲: ۱۷۰) و بدون هیچ‌گونه اجباری (طوسی، ۱۴۱۳: ۷۲) که نافی قدرت و اختیارشان باشد، از انجام آن اجتناب می‌کنند. عمود نور مرتبط با علم امامان علیهم‌السلام است؛ امامان علیهم‌السلام علم خود را که شامل هر علم دینی و دنیایی می‌شود که لازمه مقام امامت است (بحرانی، ۱۴۰۶: ۱۷۹)، از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ارث برده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۸/۱) و برخی از علوم دیگر نیز به اذن خداوند و به تدریج، در زمان حیاتشان به ایشان اعطا می‌گردد (همان: ۲۵۳/۱).

### ۳-۱-۲- شباهت حضرت ابراهیم علیه‌السلام و امامان علیهم‌السلام در مشاهده ملکوت

کلبرگ به ذکر روایات مشابهی در خصوص شباهت میان حضرت ابراهیم علیه‌السلام و امامان علیهم‌السلام، می‌پردازد. وی در ابتدا حدیثی از امام صادق علیه‌السلام در این باره نقل کرده است (Kohlberg, 2003: 127):

هفت آسمان بر ابراهیم گشوده شد تا او بتواند آسمان هفتم و آنچه را در آن است ببیند؛ به همین ترتیب، هفت لایه زمین گشوده شد تا او بتواند آنها و آنچه را در آن است ببیند؛ همین برای حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روی داد و من معتقدم برای صاحب شما [یعنی علی علیه‌السلام] و امامان پس از وی نیز روی داده است (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹: ۸۶۷/۲).

واکاوی روش کلبرگ در فهم قوای بصری امام با رویکردی به فقه الحدیث امامیه / ۴۷

سپس کلبرگ برای تبیین و تأیید این حدیث، در پاورقی و متن اصلی مقاله به دو حدیث مشابه اشاره می‌کند؛ امام باقر علیه السلام فرمودند: «برای حضرت ابراهیم علیه السلام، زمین و هر که بر آن است و آسمان و هر که در آن است و فرشته‌ای که آسمان و عرش را حمل می‌کند و هر که در آنهاست، گشوده شد و این امر برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز به وقوع پیوست» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۴۳۴/۲). نیز امام صادق علیه السلام فرمودند: «خدا آسمان‌ها را بر ابراهیم علیه السلام گشود و وی آنچه را بالای عرش بود دید و زمین برای وی حرکت داده شد و وی آنچه را زیر مرزهای آن بود دید. همین برای محمد صلی الله علیه و آله روی داد. من معتقدم این حالت برای صاحب شما و امامان پس از وی نیز روی داده است» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۴/۳۶۸).

### ۳-۱-۳-۳- قابل مشاهده بودن امام برای تمامی مردم

کلبرگ درباره این نکته که امامان می‌توانند اشیای دوردست را ببینند، واقعه‌ای را از عبدالله بن بکیر نقل می‌کند (Kohlberg, 2003: 12) با این مضمون که بکیر و امام صادق علیه السلام در راه مکه به مدینه به کوهی به نام الغمد (اندوه) می‌رسند و امام به ابن‌بکیر فرمود: «زیر این کوه یکی از دره‌های دوزخ است که در آن قاتلان امام حسین علیه السلام و دشمنان شیعه، تحت شکنجه‌های وحشتناک قرار دارند». پس بکیر از امام پرسید که آیا وی می‌تواند هر چیزی را که میان مشرق و مغرب است ببیند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «به واقع چنین است؛ چگونه ممکن است امام، حجّت خدا بر زمین باشد و نتواند هر کس را که در آن است، ببیند؟ چگونه می‌تواند وظایف خود را انجام دهد اگر نتواند تمام نوع بشر را ببیند و از سوی آنان دیده شود» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۲۶).

سپس کلبرگ می‌گوید این نکته که امام بر همه مرئی است، در این حدیث بیش از این دنبال نشده است، اما در گفت‌وگوی دیگری میان امام صادق علیه السلام و ابن بکیر تبیین شده است:

امام می‌پرسد: «چگونه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌توانست پیام خود را به تمام نوع بشر برساند، در حالی که در مدینه اقامت داشته است؟» ابن بکیر پاسخ داد که نمی‌داند و امام توضیح می‌دهد: «جبرئیل به فرمان خدا، زمین را با پری از بال خود از جای‌گند و آن را برای محمد صلی الله علیه و آله بالا آورد، به نحوی که مانند کف

دستش در برابر وی باشد. بدین ترتیب، او می‌توانست به تمام مردم جهان بنگرد و هر گروه را به زبان خودشان مورد خطاب قرار دهد [و احتمالاً هر گروهی می‌توانست او را ببیند]» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۵۲۲/۴).

کلبرگ در ادامه می‌گوید احتمالاً امامان نیز می‌توانستند انسان‌ها را به همین شیوه ببینند. در حدیثی که ذکر آن گذشت کلبرگ برای دستیابی به فهم کاملی از حدیث، از حدیث مشابهی استفاده کرده است.

### ۳-۱-۳-۴- نشان دادن غیب به دیگران

کلبرگ درباره اینکه امامان می‌توانند غیب و نادیدنی‌ها را به دیگران هم نشان بدهند، روایتی نقل می‌کند (Kohlberg, 2003: 129):

هنگامی که جابر بن یزید از امام باقر علیه السلام درباره آیه ۷۵ سوره انعام پرسید، امام دست خود را بالا برد و از جابر خواست که سرش را بالا ببرد. جابر به بالا نگریست و دید که سقف خانه‌ای که در آن سکونت دارند، ترک برداشته است. از میان ترک نگریست و نور خیره‌کننده‌ای را دید. امام توضیح داد که ابراهیم این‌گونه ملکوت آسمان‌ها و زمین را دید. سپس به جابر گفت به زمین بنگرد و پس از آن سر خود را بالا بیاورد. هنگامی که جابر به بالا نگریست، دید که ترک، ناپدید شده است (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۱۹۴/۴).

وی برای تبیین بهتر حدیث مذکور، روایتی مشابه اما طولانی‌تر را از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند (صفار، ۱۴۰۴: ۴۰۴) و به منظور تبیین حدیث می‌افزاید که جابر در این روایت، نخست با تقویت بینایی‌اش و سپس با انتقال فیزیکی به مکان‌های دور دست، آن مکان‌ها را می‌بیند (Kohlberg, 2003: 129).

کلبرگ در ادامه و برای تأکید بر این مسئله که امامان می‌توانند دیگران را وادار به دیدن غیب کنند، حدیثی را از امام هادی علیه السلام نقل می‌کند:

فردی به نام صالح بن سعید حیرت خود را از منزلگاه نامناسب امام، بیان می‌کند و امام در پاسخ، با دست خود اشاره‌ای می‌کند و صالح، باغ‌های زیبا و سرسبز

واکاوی روش کلبرگ در فهم قوای بصری امام با رویکردی به فقه الحدیث امامیه / ۴۹

را با زنانی آغشته به عطر، جوانانی به زیبایی مرواریدهای پنهان، پرندگان، غزالان و نهرهای جاری می‌بیند. امام تأکید فرمودند: «مکانی که هم‌اکنون دیده است، آماده استقبال از امامان است» (صفار، ۱۴۰۴: ۴۰۶).

کلبرگ در پاورقی، به استناد منابعی چون *الکافی* (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۹۸/۱) و *اعلام الوری* (طبرسی، ۱۳۹۰: ۳۶۵)، روایت تقریباً مشابهی را نقل می‌کند و در تحلیل روایات به دیدگاه مجلسی استناد می‌کند (Kohlberg, 2003: 135) که بر اساس آن، خداوند بینایی صالح را به طور موقت تقویت کرد و بدین ترتیب او توانست بنده‌های لطیف ایشان را ببیند که ادراک آنها معمولاً برای فانیان معمولی، منع شده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۱۵/۶).

### ۳-۲- بی‌توجهی به احادیث مشابه و معارض

نگارنده با بررسی دقیق مقاله کلبرگ، نمونه مجزایی از بی‌توجهی او به احادیث مشابه و معارض به دست نیاورد.

### ۳-۴- استفاده از عقل و دانش‌های بشری

برای دستیابی به مقصود حقیقی از متن حدیث، باید از عقل و دانش‌های بشری - شاخه‌های مرتبط از علوم انسانی و تجربی - بهره گرفت. با توجه به محدودیت‌های عمر بشر و امکانات مادی، باید فقط به دسته‌ای از گزاره‌های علمی توجه می‌شود که ارتباط آن با محتوای حدیث، ارتباطی عقلانی و حتی تجربه‌شده باشد و باید از هرگونه ارتباط‌های تصادفی و همچنین احتمال‌های دور از ذهن اجتناب کرد (مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۷۰-۱۷۳). توجه کلبرگ به عقل و دانش‌های بشری برای فهم حدیث مشهود است؛ وی احادیثی را درباره مرئی بودن امام برای همه مردم نقل می‌کند (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۲۶) و در پاورقی، متذکر می‌شود که بر اساس بدیهیات عقلی و روایات مرتبط با غیبت امام زمان (عج)، این باور را که دیگران باید همیشه امام را ببینند، نمی‌توان به سادگی با غیبت او جمع کرد. سپس تأکید می‌کند روایات مرتبط با دیدن امام، پیش از روایات مرتبط با غیبت، صادر شده‌اند (Kohlberg, 2003: 128).

## نتیجه

برآیند مباحث مطرح‌شده در این پژوهش را می‌توان در سه نکته خلاصه کرد:

۱. پژوهش‌های خاورشناسان درباره مسئله امامت را می‌توان از جهت روشی که آنها برای فهم احادیث برمی‌گزینند، بررسی و نقد کرد. به نظر نگارنده برای فهم حدیث و همچنین داشتن معیاری برای سنجش روش فهم حدیث خاورشناسان، می‌توان فرایندی سه مرحله‌ای شامل: دستیابی به حدیث صحیح، فهم متن حدیث و فهم مقصود حدیث را در نظر گرفت.

۲. روش کلبرگ در فهم احادیث بر اساس مقاله «امام و قوای بصری»، در مرحله دستیابی به حدیث، نقاط قوتی دارد که عبارت است از: اذعان به وضعیّت رجالی برخی راویان؛ تطبیق افراد موجود در اسناد حدیث؛ استناد به منابع معتبر شیعی؛ دقت در منابع برخی روایات؛ توجه به آفت‌های احتمالی در هنگام صدور و نقل حدیث. روش وی برای فهم مقصود حدیث نیز نقاط قوتی دارد مانند ارائه شواهد قرآنی و روایی برای مواردی چون: قوای نظری امام، بینا ساختن نابینا توسط امامان، مسخ دشمنان شیعه و تفاضل مقام امامان علیهم‌السلام بر حضرت ابراهیم علیه‌السلام؛ استفاده از احادیث مشابه و معارض برای تبیین مسائلی چون زمان دقیق دستیابی امام بر عمود نور، شباهت حضرت ابراهیم علیه‌السلام و امامان علیهم‌السلام در مشاهده ملکوت، قابل مشاهده بودن امام برای همه مردم و نشان دادن غیب به دیگران توسط امام.

۳. می‌توان بی‌دقتی در برخی انتساب‌ها، استفاده از منابع نامعتبر یا خدشه‌دار، مراجعه نکردن به منابع لغوی معتبر در فهم معنای واژه و بی‌توجهی به سبب صدور حدیث در برخی موارد را از نقاط ضعف روش کلبرگ دانست.

## پی‌نوشت‌ها

۱. وی اغلب درصدد تضعیف و نفی تشیع و بنیان‌های فکری آن، از جمله آموزه امامت است.
۲. نگارنده، این نمودار مربوطه را پس از مطالعه برخی از آثار برجسته در زمینه روش خوانش و فهم حدیث در میان صاحب‌نظران - مانند آثار و نظرات حجج اسلام دکتر مسعودی، دکتر نصیری، دکتر طباطبایی، دکتر میرجلیلی و آقای دکتر معماریان - ترسیم کرده است.



## واکاوی روش کلبرگ در فهم قوای بصری امام با رویکردی به فقه الحدیث امامیه / ۵۱

۳. مانند عنایت به کمیّت (مامقانی، ۱۴۲۸: ۸۰/۱؛ عتر، ۱۴۱۸: ۴۰۴)، کیفیت (ابن صلاح، ۱۴۲۱: ۳۶) و ارتباط (سیوطی، بی تا: ۱۹۹/۱) راویان حدیث و اعتبار منابعی که حدیث در آن ذکر شده است.
۳. مانند توجه به آسیب‌های مرحله صدور از جمله: بیان تدریجی (شهید ثانی، ۱۳۶۴: ۱۵۸-۱۵۷)، تقیّه (برقی، ۱۳۷۱: ۱/۲۷۵) و... و مرحله نقل حدیث از جمله: درج (میرداماد، ۱۳۸۰: ۲۱۰)، وضع (فلاته، ۱۴۰۱: ۱۰۸/۱) و... .
۵. این فرقه امروزه در سوریه به‌ویژه در کوه‌های لاذقیه، طرابلس، حمات و دمشق استقرار دارد.
۶. البته کلبرگ در پاورقی، نظر اوّل یعنی رؤیت قلبی را می‌پذیرد که این امر می‌تواند ریشه در نگرش متافیزیکی وی داشته باشد.

### منابع

قرآن کریم.

ابن ابی شهبه، محمد بن محمد (بی تا)، *الوسیط فی علوم و مصطلح الحدیث*، قاهره: دار الفکر العربي.

ابن ابی الثلج بغدادی، محمد بن احمد (۱۴۱۰). تاریخ أهل البيت نقلا عن الأئمة (عليهم السلام)، تحقیق: محمدرضا جلالی حسینی، قم: آل البيت.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.

ابن الغضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴). الرجال، تحقیق: نویسنده: محمد رضا حسینی، قم: دار الحدیث.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب، قم: علامه.

ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمان (۱۴۲۱). علوم الحدیث، تحقیق: نورالدین عتر، بیروت: دارالفکر المعاصر.

ابن عبدالوهاب، حسین (۱۳۶۹). عیون المعجزات، نجف: منشورات المطبعة الحیدریة.

ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). کامل الزیارات، تحقیق: عبدالحسین امینی، نجف اشرف: دارالمرتضویة.

اشعری قمی، سعد (۱۳۶۰). المقالات و الفرق، بی جا: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوّم.

- اشعری، ابوالحسن (۱۴۰۰). *مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین*، ویسبادن: فرانس شتاینر، چاپ سوم.
- افندی، عبدالله (۱۴۰۱). *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- امیری، محمد مقداد (۱۳۹۰ش). «غدیر خم در آثار پژوهشی انگلیسی زبان غرب»، *فصلنامه امامت پژوهی*، شماره ۳، صص ۲۵۰-۱۹۱.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۹۷). *الغدیر*، بیروت: دارالکتب العربی.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳). *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*، بیروت: دارالأضواء.
- بحرانی، ابن میثم (۱۴۰۶). *قواعد المرام فی علم الکلام*، تحقیق: سید احمد حسینی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۳). *مدینه معجز الأئمة الإثنی عشر*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶). *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثه، تهران: بنیاد بعثت.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). *المحاسن*، تصحیح: جلال الدین محدث، قم: دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸). *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: محمد علی معوض، عادل احمد عبدالموجود، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- جرجانی، علی بن محمد (۱۴۱۱). *التعریفات*، تحقیق: محمد بن عبدالحکیم قاضی، قاهره/ بیروت: دارالکتب المصری / دارالکتب اللبنانی.
- حافظ برسی، رجب بن محمد (۱۴۲۲). *مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمير المؤمنین*، تحقیق: علی عاشور، بیروت: أعلمی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲). *أمل الآمل فی علماء جبل عامل*، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- حلّی، حسن بن علی بن داود (۱۳۴۲). *الرجال*، تهران: دانشگاه تهران.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۶۵). *الباب الحادی عشر*، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
- خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹). *الهدایة الكبرى*، بیروت: البلاغ.
- خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۲). *معجم رجال حدیث*، قم: مرکز نشر الثقافة الإسلامیه فی العالم.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۴). *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق: شعب ارناووط، مؤسسه الرساله.

واکاوی روش کلبرگ در فهم قوای بصری امام با رویکردی به فقه الحدیث امامیه / ۵۳

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات ألفاظ القرآن*، تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیه.

رضوی، رسول شاکر، محمدتقی (۱۳۹۱). «چیستی عمود نور»، علوم حدیث، شماره ۶۳، صص ۴۲-۶۵.

رضوی، محمد امین (۱۳۹۱). *تجسم عمل یا تبدل نیرو به ماده*، تهران: آفتاب.  
زمخشری، محمود (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الكتاب العربی، چاپ سوم.

سگاک، یوسف بن ابی بکر (۱۴۳۰). *مفتاح العلوم*، تحقیق: عبدالحمید هندوای، بیروت: دارالکتب العلمیه / منشورات محمدعلی بیضون.

سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۴). *الرافد فی علم الاصول*، سیدمنیر سیدعدنان، قم: مکتبه آیت الله سیستانی.

السیوری، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۲). *اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه*، تحقیق: قاضی طباطبائی، چاپ دوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

سیوطی، جلال الدین (بی تا). *تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی*، تحقیق: ابوقتیبه نظر محمد فاریابی، بی جا: دار طیبه.

شاطبی، ابواسحاق (۱۴۲۵). *الموافقات فی اصول الفقه*، تحقیق: عبدالله دراز، بیروت: دارالکتب العلمیه.

شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۶۴). *معالم الدین وملاذ المجتهدین*، قم: انتشارات اسلامی.  
صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸). *عیون أخبار الرضا (علیه السلام)*، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: نشرجهان.

صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، تصحیح: محسن کوچه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم.

طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، تحقیق: محمدباقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). *تفسیر جوامع الجامع*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰). *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران: اسلامیه، چاپ سوم. طوسی، خواجه نصیر الدین (۱۴۰۷). *تجرید الاعتقاد*، تحقیق: حسینی جلالی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

طوسی، خواجه نصیر الدین (۱۴۱۳). *قواعد العقائد*، تحقیق: علی حسن خازم، لبنان: دار الغربیه. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳). *رجالہ تحقیق: جواد قیومی اصفهانی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین، چاپ سوم.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱). *الغیبة*، تصحیح: عبدالله تهرانی، قم: علی احمد ناصح، دارالمعارف الإسلامیة.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰). *فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول*، تحقیق: عبدالعزیز طباطبائی، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.

عتر، نورالدین (۱۴۱۸). *منهج التقد فی علوم الحدیث*، دمشق: دارالفکر، چاپ سوم. عرب، مرتضی، نقی زاده، حسن (۱۳۹۰). «بازکاوی اعتبار رجالی محمد بن سنان»، *فصلنامه علمی- پژوهشی کتاب قیم*، شماره ۲، ص ۱۷۰-۱۴۷.

عکبری، عبدالله بن حسین (۱۴۱۶). *اللباب فی علل البناء و الاعراب*، تحقیق: عبدالله نبهان، دمشق: دارالفکر.

علم الهدی، سید مرتضی (۱۴۱۰). *الشافی فی الإمامة*، تحقیق: سید عبد الزهراء حسینی، تهران: مؤسسه الصادق علیه السلام، چاپ دوم.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). *تفسیر العیاشی*، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیة.

فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰). *تفسیر فرات الکوفی*، تحقیق: محمد کاظم محمودی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). *کتاب العین*، چاپ دوم، قم: نشر هجرت. فرایمن، ارون (۱۳۸۶). «زندگی‌نامه حسین بن حمدان خصیبی، بنیانگذار فرقه نصیری - علوی»، *نشریه هفت آسمان*، شماره ۳۳، صص ۱۳۷-۱۷۰.

فرزند وحی، جمال شهبوزی، محمدجعفر (۱۳۸۷). «اسباب ورود حدیث در کافی»، *فصلنامه علمی- ترویجی سفینه*، شماره ۱۹، صص ۷۸-۱۰۹.

فلاته، عمر بن حسن (۱۴۰۱). *الوضع فی الحدیث*، بیروت/دمشق: مؤسسه مناهل العرفان/مکتبه الغزالی.

واکاوی روش کلبرگ در فهم قوای بصری امام با رویکردی به فقه الحدیث امامیه / ۵۵

فیض کاشانی، محمد (۱۴۱۵). تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم.

قاسمی، جمال الدین (۱۴۱۸). محاسن التاویل، تحقیق: محمد باسل عیون السود، بیروت: دارالکتب العلمیه.

قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹). الخرائج و الجرائح، تحقیق: مؤسسه الإمام المهدي (عج)، قم: مؤسسه امام مهدی (عج).

قمی مشهدی، محمد (۱۳۶۸). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، چاپ چهارم.

کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). إختيار معرفة الرجال تصحيح: محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی.

کلبرگ، اتان (۱۳۹۰). «امام و قوای بصری»، مترجم: ابوالفضل حقیری، فصلنامه امامت پژوهی، شماره ۳، ص ۱۴۸-۱۱۳.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.

مامقانی، عبدالله (۱۴۲۸). مقياس الهداية في علم الدراية، تحقیق: محمد رضا مامقانی، قم: دلیل ما.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.

محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۲۱). المسلك في أصول الدين، تحقیق: رضا استادی، مشهد: آستان قدس رضوی.

محمدي صبور، حميد (۱۳۹۵/۰۴/۲۷). «اتان کلبرگ، صهیونیست ضد تشیع»، پایگاه علم و دانش پژوهی هادی، <http://www.haadi.ir/News-462>

مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۹). روش فهم حدیث، تهران: انتشارات سمت و دانشکده علوم حدیث.

مشکور، محمد جواد (۱۳۷۲). فرهنگ فرق اسلامی، مشهد: آستان قدس رضوی چاپ دوم.

معارف، مجید (۱۳۸۳). «خانواده حدیث و نقش آن در فقه الحدیث»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش دینی، شماره ۸، ص ۴۶-۷۴.

مغنیه، محمد جواد (۱۴۱۴). *الجوامع والفوارق بین السنة و الشیعة*، بیروت: مؤسسة عزالدین.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.

میرداماد، محمدباقر (۱۳۸۰). *الرواشح السماویة*، قم: دارالحدیث.

نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *الرجال*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین، چاپ ششم.

نویسندگان (۱۳۹۰). «پرونده علمی امامت پژوهان غرب انگلیسی زبان» فصلنامه امامت پژوهی، شماره ۱، ص ۱۷۳-۱۵۷.

Kohlberg, Etan (2003) "Vision and the Imams", in: *Autour du regard: Melanges Gimaret*, Ed. E. Chaumont, avec la collaboration de D. Aigle, M.A. Amir\_Moezzi et P. Lory, Peeters

Hegel, Georg Wilhelm Friedrich (2001), *The Philosophy of History*. With Prefaces by Charles Hegel and the Translator, J. Sibree, M.A, Batoche book, Canada.